

# طرح بانك بدون ربا



نظام طرح و نقشه یکی نخواهد بود . چون شرایط باهم تفاوتی آشکار دارند .

**در صورت اول** ، آنجا که طرح يك اجتماع اسلامی خالص ریخته میشود و مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اسلام پیاده می گردد و طبعاً رباخواری ممنوع اعلام می شود ما آزادیم که بدلیخواه خویش با توجه بمقتضیات زمان و مکان در چارچوب قانون اسلام بتأسیس بانك بدون ربا بپردازیم . در این صورت چون رباخواری مطلقاً ممنوع است ، در سرتاسر اجتماع نمونه ای از ربا و رباخواری دیده نمیشود ، سرمایه ها در کارهای تولیدی از قبیل زراعت و صنعت ، و یا تجاری و بازرگانی بکار می افتد بانك اسلامی در این صورت خوب می تواند عهده دار کمک به مؤسسات کشاورزی و صنعتی و تجاری گردد . سرمایه دارانی که خود نمیتوانند بکار تولید و یا تجارت بپردازند باسانی میتوانند سرمایه خویش را در اختیار بانکهای اسلامی قرارداد و بانکها اقرار مضاربه با تجار و بازرگانان ،

پیش از آنکه طرح «بانك بدون ربا» را ترسیم نموده در معرض قضاوت خوانندگان گرامی بگذاریم ، از بیان این نکته ناگزیریم که : طرح بانك بدون ربا بدو صورت و در دو گونه شرایط نامتساوی قابل ترسیم است که باهم تفاوتی آشکار دارند .

۱ - در صورتیکه طرح يك اجتماع اسلامی صد درصد خالص را در جهان بریزیم ، در این صورت تمام نظامات غلط در هم ریخته شود ؛ و تنها ایده ثلوثی اسلامی بمرحله تحقق درآید و در این صورت اساس بانك بدون ربا در يك اجتماع خالص اسلامی پی ریزی گردد .

۲ - با حفظ نظام موجود ، نظام غلطی که بانکهای رباخواری همچون قارچهای سمی در هر گوشه و کنار آن روئیده و با سرعت رشد می کنند ، و همچون زالوهای مزاحم و خونخوار خون مردم جهان را میمکنند .

خوانندگان خوب توجه دارند که در این دو

و مصلح کل موکول نکنیم ، در اینصورت باز هم میتوانیم طرح و نقشه بانك بدون ربا را پیاده کنیم اما در مقیاسی کوچکتر باراندمانی کمتر !

و از این جهت اگر خوانندگان گرامی بامشکلاتی در این طرح و نقشه برخوردند و نتایج کسار را درخشان و مطابق ایده های عالی اسلامی نیافتند از نقص قوانین اسلامی ندانند و ما را معذوردارند که در يك اجتماع و محیط تنگ با شرایط محدودی بتلاش مشغولیم و از هر جهت دستان باز نیست تا طرح نوی بریزیم و نتیجه کلی بگیریم .

و بالاخره در فرض اول می توانیم نقشه بانك را جواری پیاده کنیم که از هر حیث با روح احکام و قوانین اسلام منطبق باشد و بتواند در تحقق اهداف عالی اقتصاد اسلامی از قبیل تأمین عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت شریك بوده و هیچگاه به تناقض در طرح بانك بدون ربا با سایر جهات اجتماعی بر نخوهد خورد .

برعکس در فرض دوم که بانبودن امکانات کافی ناچاریم بانکی تأسیس کنیم که از تحرك و فعالیت نیز خالی نباشد و بتواند دبرابر صدها بانك ربوی ، موجودیت و تحرك خویش را حفظ نموده بحیات اقتصادی خویش ادامه دهد ، مسلم است در اینصورت کار ما آسان نخواهد بود ولی مسلماً بازم تأسیس چنین بانکی هم ممکن است و هم عملی بخواست خداوند ما در این سلسله بحثها طرح و نقشه خود را ارائه می دهیم ، تاچه قبول افتد و چه در نظر آید .

\*\*\*

و آبیاری و آبادانی با کشاورزان گذارده و سرما-یهها در اختیار آنها بگذارند ؛ تا هم سرمایه دار به سود مشروع خویش برسد و هم بازرگان و کشاورز و صاحبان صنایع کم سرمایه از سرمایه های آنها برخوردار شوند و اگر هم احیاناً سودی حاصل نشد ، و یا ضرر کرد ، بازرگان و کشاورز از هستی ساقط نشود و بازرکار و کارخانه اش بگردد و سود و بهره ، بجیب سرمایه دار سر ازیر نگردد که هی آنها بزرگتر کردند و اینها بیچاره تر !

**و در صورت دوم ، طرح بانك بدون ربا با وضع موجود یعنی نظامی که از سرمایه داری غرب سرچشمه گرفته ، و صدها بانك بر با خواری مشغولند و هر روز برای جلب سرمایه های راكد به فعالیت های گوناگون دست میزنند ، گاه میزان جایزه هارا بالامی برند ، و کاروان شترپراز اسکناس ؛ راه می اندازند ؛ ماشین و طیاره و خانه بلا طار می گذارند .**

و گاه که سردمداران بانك بزرگ ؛ می بینند ؛ رقبایش افتادند ، و یا لاقل آنها هم تلاش می کنند ، با تصویب لایحه ای جوایز را لغومی کنند و بمنابین مختلف بر میزان بهره ها می افزایند .

در اینصورت اگر بخواهیم طرح بانك بدون ربا بریزیم ، مسلم می دانید کار مشکلی است و نتیجه و راندمان کار خیلی کمتر ، زیرا ناچاریم در يك نظام نادرست سعی کنیم مقررات اسلامی را با اندازه وسیع خویش پیاده کنیم و اجرای احکام مقدس اسلام را در هر شرط و هر زمان لاقول بقدر وسیع خویش ممکن شماریم و وعده اصلاح را به ظهور امام زمان

مکتب اسلام

## خط مشی بانك بدون ربا

در اینجا نمی‌خواهیم خواننده را با طرح يك تئوری نو و فرضیه تازه‌ای که معلوم نیست کسی در جامعه صورت عمل بیوشد دلخوش کنیم ، فعلا بحث از جامعه اسلامی کامل با تمام ابعاد و زوایایش نداریم ما ئیم و وضع موجود ببینیم با این جوامع که درد نیای کنونی داریم ، با وجود سیستم سرمایه‌داری نادرست می‌توانیم بانك بدون ربا تأسیس کنیم ؟ و در این صورت سیاست و خط مشی بانك بر چه اساسی بایستی استوار باشد ؟

بنظر ما در وضع موجود بانك باید در خط مشی خود سه مطلب را کاملاً رعایت نموده اساس کار خود -ش قرار دهد :

۱ - کاملاً با احکام و قوانین مقدس اسلام منطبق بوده و هیچگونه مخالفتی با روح اسلام نداشته باشد .

۲ - بانك اسلامی ؛ مؤسسه‌ای باشد متحرك و فعال، سودآور، بتواند در مقابل بانكها و مؤسسات ربا خواری فعالیت کند، راستی بانك باشد نه چیزی در مقابل آن ؛ رنگ اسلامی آن ؛ آنرا بحالت رکود و خمودی در نیآورد و بصورت مؤسسه رنگ‌ورو - رفته‌ای نباشد که رئیس و اعضایش بحال چرت زدن مشغول باشند و با تسبیح بگردانند ؛ و برای جلوگیری از ورشکست آن از مراجع دین و یا سایر خیراندیشان کمک بخوایم ؛ و نیز اضافه می‌کنیم که تمام مشکلات مزبور در صورتی است که بانك اسلامی در جو غیر اسلامی کنونی جهان تشکیل گردد والا اگر در يك اجتماع صالح صد درصد اسلامی بانك تشکیل دهیم

قطلاً این اشکالات نخواهد بود .

علاوه بر این ناگفته پیداست که در اجتماع کنونی نیز گرفتاریهای بانك اسلامی بخاطر اسلامی بودن آنها نیست تا گفته شود ، دین و قوانین آن است که دست و پای مؤسسات اقتصادی را با اصطلاح در پوست گردو می‌گذارد ، بلکه بخاطر نامساعد بودن محیط و وجود مؤسسات دیگر است که وضع را آشفته کرده و ادامه حیات را برای مؤسسات سالم مشکل ساخته است .

۳ - بانك نباید تنها بصورت يك مؤسسه سودآور در آید که از سرمایه موجود منفی کسب کند هم چون مغازه بقالی و یا يك دکان عطاری و یا يك تجارتخانه همچون صدها مغازه و تجارتخانه سودآور دیگر ! بلکه بایستی بمعنای وسیع کلمه بانك باشد ؛ قدرت داشته باشد سرمایه‌ها را جذب کند از اندوخته های كوچك پیرزنان و اطفال گرفته تا سرمایه‌های کلان تجار بازنشسته همه را بکار گیرد و بکاراندازد، آنهم کار مشروع . با مؤسسات بازرگانی و کشاورزی تشریک مساعی کند ؛ به آنها سرمایه لازم را بدهد، و از آنها بخواد که کار کنند ، **و در سودوزیان با آنها شریک باشند** و نیز بتواند بسایر کارهای بانکی برسد ، سفته‌ها و بروات تجار تی و چکهای مشتریان را وصول کند و بپردازد خلاصه تمام اعمال بانکی و کارهای مفیدی را که سایر بانكها انجام می‌دهند انجام دهد منتها بانك اسلامی تأدیر نتیجه منفی را که بانكها برای جامعه دارند داشته باشد ولی زیانهای آنها را نه !

علاوه بر این بانك اسلامی برای اینکه بتواند

۳ - بتمام معنی کلمه «بانك» باشد و بتواند آنچه‌آنکه يك سیستم اقتصادی مترقی و پیشرفته انتظار دارد به کارهای بانکی پردازد و درعین حال رنگ اسلامی خویش را حفظ کند .

بر اساس این سه اصل بخواست خداوند ؛ طرح و تر خود را ارائه میدهم بدون اینکه فعالیت بانك را در تقلید از بانکهای موجود منحصر سازیم و تنها سعی داشته باشیم کار آنها را الگوی کار خویش قرار داده تنها به اعمال خودمارك اسلامی بز نیم بلکه سعی ما در این است که طرح نوی ریخته شود که در آن طرح بانك فعالیت خود را بر اساس سه اصل فوق‌الذکر استوار نموده کار خویش را با جدیت و نشاط دنبال کند .

نقش خود را در يك شهر یا کشور پیشرفته به عنوان «بانك» ایفاء نماید بایستی در پیشبرد اقتصاد کشوری که بانك در آن بعنوان یکی از مؤسسات مالی و حساس آن بکار مشغول است ، رل مهمی را بعهده بگیرد همچنین در تأسیس کارخانه‌ها و پیشبرد صنایع داخلی فعالانه شرکت نماید و بطور خلاصه بانك باید در امور بازرگانی و صنعتی کشور نقش فعالی بعهده داشته باشد .

سخن کوتاه سیاست بانك بدون در با بایستی بر سه پایه استوار باشد .

۱ - مخالف احکام حیات بخش اسلام نباشد .

۲ - درعین اینکه يك مؤسسه تجاری و سود آور

است متحرك و فعال باشد .

## این قلب نیست سنك است!

تحلیل رفتن سریع و شدید عواطف انسانی درد نیای ماشینی

هر روز دلایل تازه‌ای بر تحلیل رفتن شدید و سریع عواطف انسانی درد نیای

ماشینی به دست می‌آید که با توجه به آن در گذاردن نام انسان برای «موجود دو پا» که همه چیز خود را به پای ماشین ریخته است تردید باید کرد .

**بعنوان نمونه :** اخیراً این خبر در جراید جهان انتشار یافت که در

یکی از کشورهای غربی راننده‌ای پس از ۱۱ ساعت مبارزه با سرمای شدید خودکشی کرد و باشلیك سه گلوله به زندگی خود خاتمه داد .

در یادداشتی که در کنار او وسیله پلیس پیدا شد علت آن تحارچنین نوشته شده بود:

«من آخرین قطره بنزین اتومبیل خود را تمام کرده بودم و هر قدر به اتومبیل‌های که به سرعت از این جاده می‌گذشتند اشاره کردم و از آنها کمک خواستم هیچک به من اعتنا نکردند ، یازده ساعت با سوز سرما مبارزه کردم و دیگر یاری تحمل نداشتم و به زندگی خود خاتمه دادم، !